

Ethical Requirements and Obstacles of Jihad of Clarification in Ayatollah Khamenei's Thought, Relying on the Role of the Clergy Zahra al-Sadat Najmabadi⁻

Abstract

Jihad has various fields, and Tthe Jihad of Clarification is the most important one, which is considered a form of countering the current of distortion; Therefore, it requires the social activism of all sections of the society; Especially the clergy who have an important position in this field; Because this Jihad has a lot of similarities with the activities of the missionaries and the clerics have a wider connection with the general public. The Jihad of Clarification is faced with moral harms, which include the predominance of selfishness and fear of reputation, expediency, lack of correct understanding of the difference between criticism and immorality and seditiousness of enemies Requiring Mujahid to acquire moral virtues in accordance with each of the mentioned obstacles is the solution to deal with the moral harms. In the present article, which is of a descriptive analytical type and has been done with a library documentation method, sincerity, trust, courage, Insight and fairness, good morals, constency in speech, honesty and patience have been identified as the moral requirements of jihad.

Keywords

jihad, Clarification, Clergy, propagation, Ethical obstacles, Ethical requirements.



الزامات و موانع اخلاقی جهاد تبیین در اندیشه مقام معظم رهبری با تکیه بر نقش روحانیت

زهرا السادات نجم آبادی⁻

چکیده

جهاد، عرصه‌های گوناگونی دارد و جهاد تبیین مهم‌ترین عرصه آن است. جهاد تبیین، نوعی مقابله با جریان تحریف محسوب می‌شود و از این رو، نیازمند کنشگری اجتماعی همه اقشار جامعه است. البته روحانیون، جایگاه مهم‌تری در این عرصه دارند؛ زیرا جهاد تبیین از یک سو، نوعی روشننگری است و با فعالیت مبلغان سنخیت بسیاری دارد و از سوی دیگر، روحانیون ارتباط گسترده‌تری با عموم مردم دارند و از اقتدار اجتماعی بیشتری برخوردارند. جهاد در عرصه تبیین مانند هر عرصه‌ای با موانع و آسیب‌های اخلاقی روبه‌رو است؛ از جمله غلبه هوای نفس و ترس از آبرو، مصلحت‌اندیشی، نبود درک صحیح از تفاوت میان انتقاد و بی‌اخلاقی، فتنه‌انگیزی دشمنان، بدبینی و ناامیدی مردم. الزام مجاهد به کسب فضایل اخلاقی متناسب برای مواجهه با هریک از این موانع، راهکار مقابله با آسیب‌های اخلاقی پیش روی این حوزه است. در نوشتار حاضر که از نوع تحلیلی توصیفی است و با روش اسنادی

⁻ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران.



کتابخانه‌ای صورت گرفته است، اخلاص، توکل، شجاعت، بصیرت و انصاف، حسن خلق، اتقان در سخن، صدق و راست‌گویی و صبر و استقامت از الزامات اخلاقی جهاد تبیین‌شمرده شده است.

کلیدواژه‌ها

جهاد، تبیین، روحانیون، آسیب‌های اخلاقی، الزام اخلاقی.

مقدمه

جهاد، از فروع ده‌گانه‌ای است که در دین اسلام مطرح شده و اصول و الزاماتی برای آن وضع گردیده است. بخشی از تعالیم اسلام درباره جهاد، در ارتباط با رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی است که در قرآن و سنت به آن اشاره شده است.

جهاد انواع گوناگونی دارد و علاوه بر قتال در میدان نبرد، شامل جهاد علمی، اقتصادی، تبلیغی و تبیینی و موارد دیگر می‌شود. از نظر مقام معظم رهبری، جهاد تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد است؛ زیرا اکنون دشمن با هزاران دستگاه رسانه‌ای و خبری به جنگ روانی دست زده است تا با وارونه جلوه‌دادن واقعیت‌ها، رابطه مؤمنانه مردم را قطع کند؛ از این رو، باید با تبیین و روشن‌گری، حقیقت‌ها را برای همگان بیان کرد. ایشان دو جریان تحریم و تحریف را هم‌عرض یکدیگر می‌داند و معتقد است شکست جریان تحریف موجب شکست جریان تحریم خواهد شد؛ زیرا دشمن با تحریف واقعیت‌ها توانسته است تحریم‌ها را به جایی برساند که بار منفی آن بر جامعه بسیار مشهود باشد. از این رو، جهاد تبیین در واقع نوعی مقابله با تحریف‌ها و شکست تحریم‌هاست (صلح میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۲۷۰).

در شرایطی که جوامع به سمت اهداف مطلوب خود حرکت نمی‌کنند و دچار انحراف می‌شوند، کنشگران اجتماعی که دارای اقتدار اجتماعی هستند، پا به میدان



می‌گذارند و در صدد اصلاح انحراف برمی‌آیند. کنشگری اجتماعی، اقدامی هدفمند برای ایجاد تغییرات اجتماعی پایدار است. جهاد در عرصه تبیین نیز که مقابله با جریان تحریف و انحراف جامعه از مسیر حق است، نیازمند کنشگری اجتماعی کنشگران در این عرصه است. روحانیون از اثرگذارترین کنشگران در این زمینه محسوب می‌شوند.

به دلیل اهمیت بسیار جهاد تبیین، ضروری است موانع تحقق آن شناسایی و الزاماتی که در رفع موانع و اثربخشی تبیین کارآمد است، تعیین شوند. با استفاده از تجارب مجاهدت‌های تبیینی در چند سال اخیر و طبق سخنان مقام معظم رهبری در این باره، برخی از اهم موانع اخلاقی در این عرصه به دست می‌آید. با الزام مجاهد تبیین‌کننده به بایسته‌های اخلاقی موردنظر، می‌توان به رفع موانع پرداخت؛ همان‌طور که رهبر انقلاب نیز به پیروی از شیوه‌های اخلاقی در این امر تأکید ورزیده و برخی از مصادیق مهم الزامات اخلاقی جهاد تبیین را بیان می‌دارد:

خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دچار ابهام‌نگه‌داشتن افکار و رهاکردن اذهان مردم و به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. هر کدام از شما به‌عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی پیرامون خودتان را روشن کنید؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

اگرچه جهاد در عرصه تبیین یک وظیفه همگانی شمرده شده است؛ اما وظیفه روحانیون و حوزه‌های علمیه در آن چشمگیر بوده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. یکی از رسالت‌های اصلی حوزه‌های علمیه، ابلاغ پیام دین به مردم و تلاش برای تحقق آن است. مبلغان، علاوه بر تبلیغ، وظیفه تبیین را نیز بر عهده دارند؛ چراکه جهاد در عرصه تبیین با جهاد تبلیغی متفاوت است. برخی تبلیغ را صرف انتقال اطلاعات می‌دانند؛ اما برخی از تعاریف موجود در فرهنگ علوم اجتماعی به تأثیرگذاری و تغییر نگرش و رفتار مخاطبان نیز اشاره دارند.

با این حال، اگر ماهیت تبلیغ را تغییر بینش، گرایش و رفتارها بدانیم، با ماهیت تبیین که به بیان حقیقت می‌پردازد، متفاوت است؛ ضمن اینکه ممکن است در میزان تأثیرگذاری، مواجهه با مخاطب و ابزارهای مورد استفاده نیز تفاوت داشته باشند (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹-۱۷۲).

محوری‌ترین عنصر در امر تبیین، رفتار و منش اخلاقی روحانیون فعال در این عرصه است؛ اهمیت رعایت شیوه‌های اخلاقی در تبیین به قدری است که ضرورت تعیین الزامات اخلاقی در این عرصه را روشن می‌سازد؛ اما اینکه چه موانع و آسیب‌های اخلاقی پیش روی جهاد تبیین قرار می‌گیرد، راه‌های مقابله با موانع مذکور چیست، وظایف روحانیت در این باره چگونه تبیین می‌شود و الزام اخلاقی چیست و با چه معیاری می‌توان به الزامات اخلاقی این حوزه دست یافت، از جمله سؤالاتی است که در این پژوهش بدان پاسخ داده می‌شود.

در مقاله حاضر که با روش اسنادی کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی تحلیلی نوشته شده است، پس از بیان مفهوم الزام اخلاقی و جهاد تبیین، به نقش روحانیون در انجام آن می‌پردازیم و پس از تعیین موانع و آسیب‌های اخلاقی جهاد روحانیون در عرصه تبیین، راهکارهای مقابله با هریک را برمی‌شمیریم و بنا بر معیار اتخاذی در مفهوم الزام اخلاقی، با استفاده از منابع شرعی و عقلی، بایسته‌های اخلاقی جهاد تبیین را بیان می‌کنیم.



پیشینه تحقیق

تبلیغ و اصول اخلاقی مرتبط با آن در پژوهش‌های متعددی بررسی شده است؛ از جمله نویسنده مقاله «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش‌ها و معضل‌ها (بایسته‌های اخلاقی تبلیغ دین از منظر آیت‌الله جوادی آملی)»، بایسته‌های اخلاقی تبلیغ دین را بنا بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی برشمرده است و بر اصولی چون تلاش برای ابلاغ پیام دین، امانت‌داری در ابلاغ پیام، مطابقت عمل با گفتار و پرهیز از خودمحوری در دعوت تأکید ورزیده و سپس راه‌حل مقابله با تعارض‌های اخلاقی در تبلیغ دین را بررسی کرده است (بوسلیکی، ۱۳۹۱).

همچنین رعایت اصول اخلاقی در جهاد نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در مقاله «اخلاق در جهاد از دیدگاه امام‌علی (علیه السلام)»، نویسندگان، اصول اخلاقی جهاد را با تکیه بر سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) بررسی کرده و اصولی چون مقدم‌شمردن صلح بر جنگ، پرهیز از آغاز کردن جنگ در میدان نبرد، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان‌شکنی را برشمرده‌اند (پهلوان و احمدی آشتیانی، ۱۳۹۵).

در مقاله «مشکلات اخلاقی تبلیغ دین»، دشواری‌های اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن تبیین شده است. نویسندگان، پس از بیان مهم‌ترین دشواری‌ها، راه برون‌رفت از آن‌ها را شناسایی کرده و رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی چون عفت، عدالت، احسان، مخاطب‌شناسی، حفظ وحدت میان مذاهب اسلامی، پرهیز از فرقه‌گرایی و حزب‌گرایی، تکیه بر اصول مشترک و مردمی بودن را پیشنهاد داده‌اند (شکری و فقیهی، ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر، عبارت «جهاد تبیین» از اصطلاحات پرتکرار در کلام رهبر معظم انقلاب بوده است و از این رو، صاحب‌نظران بسیاری در این باره سخن گفته‌اند. مقاله «جهاد تبیین» در توضیح این مقوله و وظایف افراد در این زمینه نوشته شده است (صلح میرزایی، ۱۴۰۱).



با این حال، پژوهشی که در آن، الزامات اخلاقی تبیین برای مبلغان با رویکرد جهاد در این حوزه، احصا شده باشد، پیدا نشد. همچنین گستره موانع و مؤلفه‌های اخلاقی مطرح شده در نوشتار حاضر، آن را از دیگر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه متمایز می‌سازد.

۱. تعاریف

۱.۱. مفهوم الزام اخلاقی

سعادت و زندگی نیکو مهم‌ترین غایت افعال انسانی است و نقش اخلاق در دستیابی به این هدف و سامان‌دهی امور زندگی انکارناپذیر است. الزام اخلاقی از عبارات پرکاربرد در فلسفه اخلاق است و در جایی به کار می‌رود که افعال اختیاری مکلف، موضوع احکام اخلاقی است. اساساً هر مذهب اخلاقی بر عنصر الزام بنا نهاده شده و نبود آن به منزله اضمحلال جوهر حکمت عملی است (دراز، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱).

شناخت ملاک در الزام اخلاقی، از مسائل بحث‌انگیزی است که فلاسفه اخلاق هر یک بر پایه دیدگاه فلسفی خود معیاری برای شناخت بایستگی در رفتار ارائه کرده‌اند. شهود گرایان معتقدند هیچ دلیلی وجود ندارد که عملی به عنوان وظیفه آدمی در نظر گرفته شود و باور این حقیقت که آن عمل وظیفه اوست، برای فرد کافی است. در واقع، تنها از راه شهود می‌توان احکام و مفاهیم اخلاقی را شناخت و مشاهده تجربی و استدلال ناکارآمد است.

طرف‌داران نظریه‌های غیرشناختی بر این باورند که مفاهیم اخلاقی، مفاهیمی بی‌معنا و تعریف‌ناپذیرند؛ از این رو، مفهوم «باید» نیز بدیهی، شهودی و بی‌نیاز از تعریف و بلکه تعریف‌ناپذیر است و باید به بداهت الزامات خویش، یعنی حضوری بودن ادراکات خود به آن‌ها توجه کرد. رودولف کارناب، مفهوم «باید» را حقیقتاً به معنای امر و فرمان می‌داند. برخی از عالمان مسلمان معتقدند مفهوم



باید اخلاقی، حاکی از وجوب بالذات یا وجوب بالغیر فلسفی است و برخی آن را از سنخ ضرورت و وجوب بالقیاس می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۵۵-۵۶ و ۷۲-۷۴).

حق آن است که الزام اخلاقی را بیان رابطه‌ی علی و معلولی بدانیم؛ علتی که میان فعل اختیاری و هدف اخلاق وجود دارد. از آنجا که انسان موجودی مختار است و ارزش افعال اخلاقی وابسته به اختیاری بودن آن است، مراد از الزام اخلاقی یک الزام بیرونی که نوعی اجبار بیاورد، نیست؛ بلکه حب ذات و بر اساس آن، میل به کمال است که الزام می‌آورد؛ بدین معنا که بین فعل اخلاقی و کمال حقیقی انسان رابطه‌ی ضروری برقرار است. پس اگر انسان در جست‌وجوی کمال خویش است، به آن فعل ملتزم می‌شود (تحلیل الزامات اخلاقی و عقلی ۲، ۱۳۹۷). بنابراین، هرگاه فعل اختیاری انسان را با آثار مترتب بر آن می‌سنجیم، بین آن‌ها رابطه‌ی ضرورت بالقیاس می‌یابیم که می‌توان این ضرورت را به صورت یک الزام اخلاقی بیان کرد.

۱. ۲. مفهوم جهاد تبیین

جهاد از ریشه‌ی جُهد، در لغت، به معنای به کارگیری نهایت سعی و توان در مقابل دشمن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۱۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۲۰۸) و تلاش توأم با رنج است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۷۷) و در اصطلاح، به معنای تحمل سختی در قتال با دشمنان به کار رفته است (کلانتری، ۱۳۶۶، ص ۷۷).

واژه‌ی جهاد، ۳۵ بار در قرآن کریم به کار رفته است، در حالی که واژه‌ی حرب (به معنای جنگ)، چهار بار تکرار شده است. تفاوت اساسی جهاد و جنگ در اصول و روش آن‌هاست؛ جنگ‌های معمولی برای کسب قدرت، منافع سیاسی و اقتصادی و غنیمت است؛ اما جهاد برای صیانت از دین است و مجاهد زمانی که به درجه‌ی رفیع شهادت می‌رسد، خود سهم خدا می‌شود (پارسا، ۱۳۸۵، ص ۵۴).





جهاد از منظر آیات قرآن و روایات، سه قسم است: جهاد اکبر که مقابله با تمنیات نفس سرکش است؛ جهاد اصغر که پیکار با دشمن بیرونی است و جهاد کبیر. حضرت آیت الله خامنه‌ای، جهاد کبیر را به جهاد تبیین تعبیر می‌کند و در تفسیر آیه ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان: ۵۲)، معتقد است ضمیر «ه» در «به» به جهاد تبیین برمی‌گردد (قادری، ۱۴۰۱).

تبیین از ریشه «بین»، در لغت، به معنای پیداشدن، آشکارشدن (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل تبیین) و فاصله میان دو چیز و جدایی است. این کلمه در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است (مکارم شیرازی، در makarem.ir) و در اصطلاح، به معنای بیان حقیقت و زدودن غبار جهالت و تحریف از اذهان است؛ به عبارتی تبیین به معنای بی‌اعتنائبودن انسان به ذهنی است که به کمک نیاز دارد و باید تعلیم ببیند (صلح میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۲۶۸).

رهبر انقلاب بارها در سخنرانی‌های خود به موضوع جهاد تبیین اشاره کرده‌اند و می‌توان این عبارت را از لسان ایشان این گونه تعریف کرد:

زندگی مبارزاتی ائمه و مبارزه اصحاب ائمه جزو خطرناک‌ترین‌ها بود؛ ائمه جهاد نظامی که نمی‌کردند؛ جز معدودی (فقط حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین با شمشیر جنگیدند) بقیه ائمه که با شمشیر ن‌جنگیدند. جهادشان چه بود؟ «جهاد تبیین». همین که بنده مکرر تکرار می‌کنم تبیین کنید، روشنگری کنید (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳)

[حضرت زینب علیها السلام] جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت. نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند. کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. این درس است؛ شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند با روایت‌های دروغ (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).



جهاد تبیین را جدی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدی بگیرید. شبهه از جمله چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است. جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم می‌کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۵/۰۵)

[دشمنان] هر چه می‌توانند چهره انقلاب را، چهره امام را، فعالیت‌های این چهل سال را مخدوش می‌کنند. تا آنجایی که از عهده‌شان برمی‌آید سعی می‌کنند این را مخدوش کنند. از پیشرفت‌ها، از نقاط مثبت، نقاط قوت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده نمی‌کنید؛ کتمان حقایق. متقابلاً اگر یک نقطه ضعفی وجود دارد - که البته وجود دارد؛ هیچ کشوری و هیچ نظامی بدون نقطه ضعف نیست - یک نقطه ضعف کوچک را صد برابر بزرگ می‌کنند و نشان می‌دهند. این یک کار عجیبی است که امروز انجام می‌گیرد. به همین جهت است که «جهاد تبیین» یک فریضه است، «جهاد تبیین» یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند] (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).

۲. ضرورت جهاد تبیین و جایگاه روحانیون در آن

تبیین حقایق از امور بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اگر کسی بتواند حقایق را در ذهن مردم تحریف کند، در واقع عمل و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبار آلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۴۱-۴۳).

دوران دشوار هر انقلابی، دورانی است که حق و باطل در آن ممزوج شود. در این هنگام عقل حکم می‌کند برای مقابله با نقشه دشمن به صراحت به بیان حق



پرداخت. تبیین مرز حق و باطل و وظیفه همه آحاد مردم است؛ اما وظیفه خواص و در میان آنان، کسانی که مستمعین بیشتری دارند، خطیرتر است (همان، ص ۵۰-۵۳)؛ از این رو، روحانیون و مبلغان از پیشگامان عرصه جهاد تبیین هستند.

مهم‌ترین برهه و زمان و مکانی که تبیین در آن معنا می‌یابد، شرایطی است که در آن فتنه وجود داشته باشد. از صدر اسلام تا کنون بیشترین زحمت مبلغان، زحمات مربوط به منافقین بوده است که در یک فضای مبهم، موضعی نامعین داشته‌اند (همان، ص ۵۳). امروزه نیز دشمن از همه ابزارهای خود در تشویش اذهان مردم بهره می‌برد و همه امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی خود را بسیج کرده است تا واقعیت‌های موجود را کتمان، معارف اسلامی را تحریف و روحیه مردم را به روحیه یأس و ناامیدی تبدیل کند و نشاط و تحرک را از آن‌ها بگیرد؛ از این رو، در شرایط کنونی، اهتمام روحانیون به تبلیغ و به‌طور ویژه عرصه تبیین حقایق، بیش از گذشته ضرورت می‌یابد.

جهاد در تبیین حقایق، فقط امروزه نیازمند ورود روحانیون به این عرصه نیست، بلکه طی تاریخ معاصر، مجاهدت‌های تبیینی طلاب و روحانیون، اقدامات اثربخشی را رقم زده است. در دوران پهلوی، مبارزات روحانیون سبب گسترش و تعمیق تحرکات دیگر (از جمله مبارزات دانشجویی) بود. اگر حضور گسترده طلاب در اقصانقاط کشور برای رساندن پیام امام علیه السلام به مردم شهر و روستا نبود و اگر آن‌ها این فکر را به سراسر کشور منتقل نمی‌کردند، معلوم نبود انقلاب به موفقیت برسد (همان، ص ۷۰-۷۲). حوزه علمیه و طلاب، ابزاری برای عملیاتی کردن فکر و خواسته امام شدند و مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب، همین امر بود (همان، ص ۷۳).

۳. موانع تبیین

جهاد فی سبیل الله همواره با موانعی روبه‌روست که آسیب‌های اخلاقی از جمله آن‌هاست. این موانع در جهاد مسلحانه نیز وجود دارد، اما در جهاد اکبر و جهاد کبیر



نمود بیشتری می‌یابد؛ از این رو، مجاهدت در جبهه جنگ نرم و به‌ویژه جهاد تبیین نیازمند ملزم شدن به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی است تا بتوان با موانع و آسیب‌های اخلاقی‌ای که مبارزه در این میدان را کند یا متوقف می‌کند، مقابله کرد.

یکی از مهم‌ترین مسائل مجاهدت در این عرصه، مصون نبودن خود مجاهد از آسیب‌های اخلاقی و فتنه‌انگیزی‌های دشمنان و غبار آلود کردن حقایق است؛ بنابراین، جهاد در عرصه تبیین نیازمند تقویت مجاهد از جنبه‌های گوناگون است و تا زمانی که فرد خود را به فضایل اخلاقی مجهز نگرداند، نمی‌تواند پا به میدان جهاد بگذارد. باید گفت اساساً سلاح مورد نیاز برای مجاهدت در این عرصه، فضایل اخلاقی است؛ چرا که در این نوع جهاد، عرصه رویارویی با مخاطب در محافل و مجالس خصوصی و در میدان‌های عمومی و غالباً به صورت ارتباط چهره‌به‌چهره و تنگاتنگ است. اگر مجاهد خود را به سلاح اخلاق مجهز نکرده باشد، مردم از دور او پراکنده می‌شوند و نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد.

علاوه بر آن، با توجه به تجربیات گوناگونی که در سال‌های اخیر در عرصه تبیین به دست آمده است و با تأمل و تدقیق در بیانات رهبر معظم انقلاب در این باره، به نظر می‌رسد عمده مشکلاتی را که در مسیر تحقق تبیین و اثرگذاری آن وجود دارد (به‌ویژه موانعی که روحانیون با آن مواجه می‌شوند)، می‌توان در چند مورد خلاصه کرد؛ مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از: ترس از آبرو، مصلحت‌اندیشی، نبود درک صحیح از تفاوت میان انتقاد و بی‌اخلاقی و فتنه‌انگیزی دشمنان، بدبینی و ناامیدی مردم.

۳.۱. غلبه هوای نفس و ترس از آبرو

شیطان همواره در صدد است برای تغییر در اعتقادات، ارزش‌های اخلاقی و الگوهای رفتاری انسان و در نهایت، نافرمانی از دستورات الهی، از طریق فریب

و وسوسه، مؤمنان را از مسیر طاعت الهی و انجام واجبات دور سازد (شکر، ۱۳۹۳، ص ۴)؛ از این رو، جهاد در عرصه تبیین که از سوی رهبر معظم انقلاب، فریضه‌ای قطعی و فوری قلمداد شده است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹)، از وسوس شیطانی در امان نیست. اگرچه روحانیون قشری هستند که در عمل به واجبات و ترک محرمات پیشگام هستند، به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در میان مردم دارند، گاهی با آفت ترس از آبرو و مقبولیت مواجه می‌شوند. این حربۀ شیطان است که ملاک مقبولیت نزد مردم را برجسته کرده و سعی دارد آن را جایگزین بیان حقایق کند؛ از این رو، مجاهد باید خود را به فضایل اخلاقی مجهز کند تا بتواند با این وسوس شیطانی مقابله کند.

۲.۳. مصلحت‌اندیشی

زمانی که فتنه‌ها شعله‌ور می‌شود، استواری در مسیر حق با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهد بود. یکی از مسائلی که خواص و نخبگان دینی در این ایام با آن درگیر می‌شوند، مصلحت‌اندیشی است؛ بدین معنا که ترجیح می‌دهند سکوت اختیار کنند و در قبال اتفاقات رخ داده موضع نگیرند. حتی گاهی از این فراتر می‌روند و کسانی را که به تبیین مواضع خود می‌پردازند، ملامت می‌کنند و سکوت را به صلاح جامعه می‌دانند.

برخی به روایت «کن فی الفتنة کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۶) استناد کرده، دخالت نکردن در مسائل فتنه را از آن برداشت می‌کنند، در حالی که مراد آن است که در شرایط فتنه اجازه نده فتنه‌گر از تو به سود خود استفاده کند و جوری موضع نگیر که آن جریان را تقویت کنی (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۱۳۶).

مصلحت‌اندیشی آفت خطرناکی است که ممکن است در میان روحانیون بیشتر شایع باشد؛ مگر آنکه خود را به فضایل اخلاقی تجهیز کنند.



۳.۳. نبود درک صحیح از تفاوت میان انتقاد و بی‌اخلاقی

معضل جدی دیگری که در میدان‌های نبرد وجود دارد، رعایت نکردن اخلاق و ادب اسلامی است. عده‌ای به توهین و هتک حرمت روی می‌آورند، در حالی که آنچه در سیره اهل بیت علیهم‌السلام در مقابله با دشمنان مشاهده می‌شود، خلاف آن است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جنگ صفین، هنگامی که شنید گروهی از یارانش به معاویه و شامیان دشنام می‌دهند و توهین می‌کنند، آنان را از این کار منع کرد. حضرت زهرا علیها‌السلام در مقام تبیین، هنگامی که به ایراد خطبه طوفانی در مسجد پرداخت، با وجود اعتراض شدید به اوضاع، یک کلمه توهین آمیز در خطبه به کار نبرد و در سرتاسر آن از کلمات محکم و بیانات متین و متقن استفاده کرد (همان، ص ۱۰۰).

دشنام و توهین باب تفکر و تعقل را مسدود می‌کند و کسی که به دشنام و توهین متوسل می‌شود، از کم‌خردی و ضعف استدلال و منطق خود پرده برمی‌دارد. معمولاً افراد و گروه‌هایی به توهین و هتک حرمت متوسل می‌شوند که هم از منطق و استدلالی قوی برخوردار نیستند و هم از نظر سجایای اخلاقی و علو روحی در مرتبه بالایی قرار ندارند (علیخانی، ۱۳۸۰، ص ۲). اگر مجاهد در عرصه تبیین بدین امر روی آورد، از اهداف تبیینی خود دور خواهد شد و مخاطب نه تنها سخن او را نمی‌پذیرد، بلکه در استدلال‌ها و عقایدش تردید می‌کند.

از سوی دیگر، در بیان واقعیات ممکن است افراد به غیبت و تهمت مبتلا شوند و نتوانند میان انتقاد منطقی و بی‌اخلاقی تمییز قائل شوند. اهمیت این موضوع به قدری است که بر رعایت اخلاق و حفظ کرامت انسانی، حتی در قبال دشمنان، در سیره ائمه علیهم‌السلام تأکید شده است (همان، ص ۳).



۳.۴. فتنه‌انگیزی دشمنان، بدبینی و ناامیدی مردم

پس از شکست‌های پی‌درپی دشمنان در عرصه‌های مختلف، یکی از راهبردهای اصلی آنان در دشمنی با ملت مسلمان ایران، ناامید کردن مردم و بدبین کردن ایشان به حاکمیت است. دشمن از طریق سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات موجود در کشور و نشان دادن امکانات کشورهای دیگر، قصد از بین بردن امید به آینده را در میان مردم دارد و کسی از این حربۀ دشمن در امان نیست؛ حتی کسی که قصد دارد از طریق زدودن غبار تحریف و بیان حقایق، با دشمنان مقابله کند؛ مگر آنکه خود را به سلاح‌های موردنیاز مجهز گرداند.

مجاهدت در این عرصه علاوه بر تجهیز خود، نیازمند دعوت مردم به پایداری است. گاهی این امر برای مبین بسیار دشوار می‌گردد؛ زیرا نفوذ دشمن بر افکار مردم و ایجاد ناامیدی در میان آنان، شنیدن حق و پذیرش آن را مشکل می‌کند.

۴. الزامات اخلاقی

کنشگری اجتماعی موجه و صحیح روحانیون در عرصۀ تبیین در چارچوب خاصی صورت می‌پذیرد که نیازمند اصول و قواعد اخلاقی ویژه‌ای است. برای تعیین این اصول باید فضایل اخلاقی موردنیاز برای مقابله با موانع و آسیب‌های اخلاقی جهاد تبیین را شناسایی کرد. افزون بر این، بسیاری از بایسته‌های اخلاقی این عرصه را می‌توان از سخنان رهبر معظم انقلاب که اخیراً تأکید بسیاری بر این امر داشته‌اند، برداشت کرد.

۴.۱. اخلاص

اخلاص به معنی خالی بودن قصد و نیت فرد از هر شائبۀ غیرخدایی است (نراقی، بی‌تا، ج ۲: ص ۴۱۴). نیت و قوت اراده لازمه رسیدن به مقصود است و اخلاص در نیت از مسائلی است که در بسیاری از آیات قرآن و روایات مورد تأکید است و





عامل اصلی پیروزی در دنیا و آخرت شمرده شده اس. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۲۶۹-۲۷۰). از آنجا که اخلاص گوهر گران‌بهایی در قلب و روح انسان است، آثار مهمی نیز به دنبال دارد؛ از جمله اینکه هر کس اخلاص پیشه سازد، چشمه‌های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰: ص ۲۴۲-۲۴۳).

جهاد تبیین یک فریضه است و قصد قربت، شرط صحت واجبات تعبدی است؛ از این‌رو، اخلاص در نیت برای مبین، لازمه جهاد در این عرصه است. مجاهدت در جبهه جنگ نرم بسیار دشوارتر از مجاهدت در جنگ سخت است و عوامل بازدارنده بسیاری، مجاهد را برای توقف یا انحراف از مسیر مجاهدت تهدید می‌کنند؛ از این‌رو، اخلاص به او کمک می‌کند از انحراف مصون بماند. چنانچه مجاهد با اخلاص به تبیین پردازد، قطعاً درهای حکمت بر او باز می‌شود و بیانش اثرگذار خواهد بود؛ چراکه هرچقدر نیت خالص‌تر باشد، به باطن کار اهمیت بیشتری داده می‌شود و به تعبیر دیگر، محکم کاری می‌شود؛ به همین دلیل، پیروزی در کار تضمین خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۹-۲۸۰).

عمده‌ترین آفت اخلاص و مهم‌ترین مانع آن، همان‌طور که در روایات بیان شده است، هوای نفس است (تمیمی، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۵۱۸). مبارزه با نفس، جهاد اکبر و بزرگ‌تر از مبارزه با دشمن خارجی است و بر دوش همه کسانی است که می‌خواهند در راه خدا قدم بردارند. این وظیفه برای مجاهد راه خدا که در مقام راهبری و ارشاد مردم است و می‌خواهد عموم از او پیروی کنند، سنگین‌تر می‌گردد؛ از این‌رو، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه همواره بر لزوم تهذیب نفس و دوری از دنیاطلبی در حوزه‌های علمیه تأکید داشت و در هر فرصتی روحانیون را به تقوا و خودسازی دعوت می‌کرد و از حب نفس و جاه‌پرہیز می‌داد (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). بنابراین، اخلاص و لازمه آن که مبارزه با نفس و پرہیز از هوس‌رانی است، از الزامات مهمی است که جهادگر تبیین بدان نیاز داد.

۲.۴. توکل

سلاح اصلی مجاهد در جهاد تبیین، توکل به خدا و وعده‌های الهی است. اگر کسی که در راه حق مجاهدت می‌کند، قوانین و سنت‌های الهی را نشناسد، نمی‌تواند در این طریق باقی بماند؛ اما کسی که به وعده قطعی خداوند در آیه **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾** (حج: ۴۰) ایمان دارد، همواره در مقابل توطئه‌های دشمن پایداری می‌کند و میدان تبیین را خالی نمی‌گذارد؛ زیرا انسان متوکل همیشه به آنچه مقتضی حق است، عمل می‌کند و در این راه به خدا اعتماد دارد. خداوند حامی و پشتیبان کسانی است که حامی و پشتیبان حق باشند و توکل، تضمین الهی برای حامیان است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ص ۱۵۹).

وعده الهی به این افراد آن است که اگر کسی دین خدا را نصرت کند، خداوند او را تنها نخواهد گذاشت و موفق و پیروزش خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۹۷-۹۸). لذا بدون توکل بر خدا و وعده‌های او نمی‌توان در میدان جهاد تبیین پیروز شد و لازمه حضور مجاهد در عرصه تبیین، توکل است.

۳.۴. شجاعت

شجاعت نه تنها در میدان جنگ، بلکه در میدان زندگی، میدان تلاقی حق و باطل، میدان معرفت و میدان تبیین اثرگذار است. انسان شجاع با مشاهده حق، آن را دنبال می‌کند و عظمت جبهه دشمن مانع او نمی‌شود. شجاعت لازمه ورود به جهاد تبیین است - هم شجاعت در شناخت حقایق و هم بیان آن‌ها به نحوی که ترس از مال و جان و آبرو، تهمت‌ها و ازبین رفتن محبوبیت و مقبولیت نزد مردم، مانعی برای اقدامات مجاهد نباشد؛ چنان که خداوند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از ترس و ملاحظه حرف مردم و تهمت‌های آنان برحذر می‌دارد (احزاب: ۳۷) (همان، ص ۱۳۳-۱۳۴).



۴.۴. بصیرت و رعایت انصاف

روحانی مجاهد برای شناخت شرایط فتنه و موضع‌گیری صحیح باید بصیرت لازم را داشته باشد تا بتواند علاوه بر نجات خود، ابعاد فتنه را برای مردم بازگو و حقایق را که در این فضای غبارآلود پوشیده شده است، تبیین کند. افزون بر این، رعایت انصاف از دیگر لوازمی است که در مقابله با مصلحت‌اندیشی ضروری است؛ به نحوی که مجاهد باید در تبیین حقایق و زدودن غبارهای جهالت و انحراف، با رعایت انصاف همه واقعیت‌های موجود را بیان کند (اعم از حقایق تلخ یا شیرین، ویژگی‌های منفی یا مثبت و هرگونه پسرفت یا پیشرفت).

امروزه متأسفانه در بین برخی مسئولان و نخبگان سیاسی، نگاه بدبینانه‌ای رواج یافته است که تنها نقاط منفی را مطرح می‌کنند، در حالی که مدعی واقع‌بینی هستند؛ اما نگاه یک‌سویه به مسائل و ذکر نقاط منفی، نه تنها نگاهی واقع‌بینانه نیست، بلکه موجب ناامیدی مردم می‌شود و برآورد درستی از اوضاع کشور به دست نمی‌دهد. از طرف دیگر، غلبه دادن نقاط مثبت بدون دیدن نقاط منفی نیز گمراه‌کننده است و اگر موجب رضایتی در درون انسان شود نیز رضایتی کاذب است (همان، ص ۱۳۹-۱۴۰).

امام خمینی علیه السلام در زمان خود خط‌شکنی بود که هر جا انحرافی مشاهده می‌نمود، صراحتاً بیان می‌فرمود و اگر بدعت‌ها و خلاف‌هایی که در این زمان وجود دارد، در آن زمان رواج می‌یافت، قطعاً به تبیین آن می‌پرداخت (همان، ص ۱۳۷). روحانیون به تاسی از امام علیه السلام باید بدون مصلحت‌اندیشی با انحرافات مقابله کنند و در این مسیر، از دایره عدالت و انصاف خارج نشوند.

۴.۵. حسن خلق

حسن خلق، به معنای خوش خلقی، از صفات فاضله روحی و از فضایل اخلاقی است که در روابط اجتماعی بسیار مؤثر است. اگر مجاهدت در عرصه تبیین به



زیور خوش خلقی آراسته گردد، قطعاً اثرگذاری بیشتری در ارسال پیام به مخاطب دارد؛ چراکه خلق نیکو سبب پیوند دل‌ها می‌شود، دوستی و محبت را افزایش می‌دهد و ریسمان اعتماد را محکم‌تر می‌کند. بخش مهمی از موفقیت پیامبر ﷺ و دیگر معصومین علیهم‌السلام در پیش‌برد اهداف دین، مرهون همین فضیلت بوده است؛ چنان‌که خداوند در آیه ۱۵۲ سوره آل‌عمران خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«فَمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِقَوْمٍ إِذ ظَلَمُوا عَلَيْهِمْ وَلَقَدْ ظَلَمُوا عَلَيْنَا لَوْلَا أَنَّا نُخَلِّفُ فِي الْأَرْضِ مَن نَّشَاءُ لَتَبَوَّسْنَا نُجُومَ السَّمَاوَاتِ وَكُنَّا تُرَاكِبِينَ فَجَاءَنَا نَارُ اللَّهِ أَخْبَارًا بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ»

بدخلق و سخت‌دل بودی حتماً از دورت پراکنده می‌شدند».

الف) بهره‌گیری از عاطفه

درست است که تبیین باید منطقی و با پشتوانه علمی صورت گیرد، اما یادآوری این نکته نیز مهم است که گاهی قدرت علمی به تنهایی کافی نیست و پشتوانه دیگری برای ایمان‌های خالص لازم است. این پشتوانه، عواطف برخاسته از معرفت درست است. در واقع، عامل مهمی که طی سال‌ها شیعه و اندیشه او را حفظ کرد، جوشش ایمان آمیخته با عواطف است؛ محبت اهل بیت علیهم‌السلام عامل مهمی در حفظ سلامت و استحکام اندیشه‌هاست. چه بسا افرادی که مبانی و مفاهیم اسلامی را می‌دانند؛ اما به حقیقت آن دل نسپردند. محبت و عاطفه در تبیین حقایق، جایگاه مهمی دارد؛ زیرا با اینکه پایه دین، عقلانیت و استدلال است، هیچ مبناى عقلانى و فلسفى بدون آبیاری شدن از عاطفه و ایمان قلبی، امکان رویش ندارد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴-۱۴۵).

همچنین، ایجاد رابطه قلبی با امام خمینی و مقام معظم رهبری (به‌عنوان بنیان‌گذار و رهبر این انقلاب) موجب می‌شود همانند آن‌ها بیندیشیم و مطابق با پازلی که برای تمهید مقدمات ظهور چیده شده است، عمل کنیم (صلح میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۲۷۴).



ب) حفظ کرامت مخاطب

خوش رفتاری و مؤدبانه سخن گفتن که حاکی از احترام به شخصیت مخاطب است، اثر روانی بسیاری دارد؛ تا حدی که گاهی موضع وی را در مقابل گوینده تغییر می‌دهد و از خشونت و عکس‌العمل تند او جلوگیری می‌کند. طی تاریخ نیز بسیاری از بزرگان با همین روش توانستند فتنه‌های زیادی را خنثی و افراد را از قصد سوئی که داشتند، منصرف کنند (فکری، ۱۳۸۶، ص ۴). مجاهدت در عرصه تبیین نیز با این نگاه به موفقیت‌های بیشتری نائل خواهد آمد و مخاطبان بیشتری را با خود همراه خواهد ساخت.

۴.۶. اتقان در سخن

در جامعه ما همواره دو جریان حق و باطل وجود داشته است که هر کدام در راستای اهداف خود تلاش‌هایی کرده‌اند. تبیین حقایق به معنای غیبت کردن درباره رؤسای جریان باطل یا تهمت زدن به آن‌ها نیست. انحراف آن‌ها از حق و اقداماتی که سبب این انحراف شده، واضح است و با تبیین، برای مردم نیز روشن خواهد شد؛ بنابراین، نیازی به غیبت و تهمت نیست. همچنین سخنان لغو، متزلزل و توهین‌آمیز در جهاد در راه حق جایگاهی ندارد؛ از این رو، تبیین باید دارای پشتوانه علمی و مطالعاتی باشد و سخن گفتن از روی جهالت و پیروی از سخنان جاهل نکوهیده است.^۱ یکی از مهم‌ترین اقدامات در جهاد تبیین، اقناع اندیشه مخاطب است و اقناع اندیشه با بیان استدلال‌ها و مستندات تحقق می‌یابد (شکری و فقیهی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳-۱۱۴).

افزون بر این، اقناع مخاطب مستلزم بهره‌گیری از ابزار مؤثر در تبیین است؛ به گونه‌ای که در به‌کارگیری ابزارهای گوناگون باید توجه داشت که تمسک به هر وسیله برای رسیدن به هدف، مورد تأیید آموزه‌های اسلامی نیست و این

۱. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (نساء: ۳۶).





سخن که هدف وسیله را توجیه می‌کند، صحیح نیست؛ چراکه هدف زائیده مقدمه و وسیله است و ممکن نیست مقدمه باطل و بیمار، نتیجه‌ای حق و سالم داشته باشد.

در سیره پیامبر ﷺ نیز دوری از تمسک به ابزارهای ناصواب دیده می‌شود؛ از جمله زمانی که فرزندش ابراهیم وفات یافت، خورشید گرفتگی رخ داد و عده‌ای این دو حادثه را به هم ارتباط دادند و در پی جعل فضیلتی برای پیامبر ﷺ برآمدند (لطیفی، ۱۳۸۶، ص ۳)؛ اما پیامبر ﷺ در میان مردم آمد و فرمود:

«گردش خورشید و ماه به امر خدا و بر اساس قاعده خاص خویش است، نه به مرگ کسی می‌گیرد و نه به زندگی کسی می‌چرخد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ص ۱۵۶).

۷.۴. صدق و راست‌گویی

یکی دیگر از فضایل اخلاقی که تخلق به آن، مجاهد را در مقابله با آفات این عرصه یاری می‌کند، صداقت و راستی است. صداقت به معنای مطابقت سخن با واقعیت خارجی و عینی است و لازمه هرگونه بیان حقیقتی، مطابقت با آن حقیقت عینی است؛ زیرا یکی از ارکان اصلی مجاهدت در عرصه تبیین و رمز‌پیروزی در این میدان، جلب اعتماد عمومی است و این امر جز با صدق و راستی مجاهد محقق نمی‌گردد.

در روایات از صداقت به «نور» تعبیر شده است؛ به گونه‌ای که هرچیزی در معرض تابش آن قرار گیرد، روشن می‌سازد.^۱ بدان دلیل که هدف اصلی در جهاد تبیین، روشن‌گری است، مجاهد به نور صداقت در این مسیر نیازمند است.

راست‌گویی زیربنای فضایل دیگر است، صفت اصلی رهبران و پیشوایان الهی است و در جهاد تبیین نیز به عنوان یکی از ارکان اساسی به شمار می‌رود؛ لذا کذب

۱. امام صادق (ع): «الْصِّدْقُ نُورٌ غَيْرُ مُتَشَعِّعٍ إِلَّا فِي عَالَمِهِ كَالشَّمْسِ يَسْتَضِيءُ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ يَغْشَاهُ مِنْ غَيْرِ نُقْصَانٍ يَفْعُ عَلَيَّ مَعْنَاهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ص ۱۰).

مبیین نه تنها بیان او را اثرگذار نمی‌کند، بلکه سبب بی‌اعتمادی مخاطب به افراد تبیین‌کننده می‌گردد.

۸.۴. صبر و استقامت

جهاد در همه عرصه‌ها نیازمند استقامت است. در عرصه تبیین نیز صبر و استقامت مجاهد نقش مهمی دارد؛ زیرا رفع نفوذ دشمن بر اذهان مردم و تغییر افکار ایشان، امری زمان‌بر است و بدون صبر به ثمر نخواهد رسید. با این حال، همان‌طور که از معنای لغوی صبر که امساک در تنگناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۴۷۴) برمی‌آید، تخلق به صبر به آسانی امکان‌پذیر نیست و باید از راه تواضع به حق و صبر در میان مردم، در مقابل تحركات دشمن ایستادگی کرد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۶۰).

آیه ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا﴾ (هود: ۱۱۲) نیز پیامبر را به صبر امر می‌کند و می‌فرماید علاوه بر خود، مؤمنان را هم به ایستادگی و ادار کن؛ انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم دشمنان، توطئه‌گران و بدخواهان و از طرف دیگر، موردتهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند و ممکن است از صراط مستقیم به چپ یا راست انحراف پیدا کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶).

مجاهد تبیین‌گر به تاسی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید هم صبر متخلق باشد و هم مردم را به ایستادگی فراخواند؛ زیرا بدون ایستادگی در برابر فتنه‌های دشمن، بیان حقیقت فایده‌ای ندارد.



نتیجه گیری

جهاد، انواع گوناگونی دارد و علاوه بر قتال در میدان نبرد، شامل انواع دیگر نیز می‌شود. در این میان، جهاد تبیین مهم‌ترین عرصه جهاد و لازمه انواع دیگر جهاد به شمار می‌آید. تبیین مرز حق و باطل و وظیفه همه آحاد مردم است؛ اما این وظیفه برای خواص، به‌ویژه روحانیون و مبلغان که مستمعان بیشتری دارند، خطیرتر است.

مجاهدت در عرصه تبیین، یکی از وظایف کنشگری اجتماعی روحانیون است که در صدد اصلاح انحراف جامعه از مسیر حق هستند. این عرصه نیز مانند عرصه‌های دیگر با موانعی روبه‌روست که آفات و آسیب‌های اخلاقی از جمله آنهاست.

عمده آسیب‌هایی که ممکن است روحانیون در این عرصه با آن مواجه شوند، عبارت‌اند از: غلبه هوای نفس و ترس از آبرو، مصلحت‌اندیشی، نبود درک صحیح از تفاوت میان انتقاد و بی‌اخلاقی و فتنه‌انگیزی دشمنان، بدبینی و ناامیدی مردم.

الزام مجاهد تبیین‌کننده به کسب فضایل اخلاقی متناسب با هر یک از موانع یادشده، راهکار مقابله با آسیب‌های اخلاقی پیش روی این حوزه است. الزام اخلاقی، بیان رابطه علی و معلولی میان فعل اختیاری انسان و اهداف اخلاق است. هرگاه فعل اختیاری انسان را با آثار مترتب بر آن می‌سنجیم، بین آنها رابطه ضرورتی که ناشی از قیاس است، می‌یابیم.

می‌توان این ضرورت را به‌صورت یک بایستگی اخلاقی بیان کرد؛ از این‌رو، هنگامی که از الزامات اخلاقی جهاد تبیین سخن می‌گوییم، میان افعال اختیاری مجاهد و غایت جهاد تبیین، رابطه‌ای حقیقی برقرار است که بدون افعال مذکور، هدف تبیین محقق نخواهد شد؛ لذا باید با استفاده از منابع شرعی و عقلی، بایسته‌های اخلاقی این حوزه را شناسایی کرد.



مقابله با هوای نفس و ترس از آبرو مستلزم تجهیز مجاهد به سلاح اخلاص و شجاعت است و بصیرت و انصاف نیز راه درامان ماندن از مصلحت اندیشی است. همچنین، برای تمیز میان انتقاد و بی اخلاقی باید به اتقان در سخن، صداقت و حسن خلق روی آورد؛ توکل و صبر و استقامت نیز بهترین سلاح در مقابله با فتنه انگیزی های دشمن و ناامیدی مردم است.





کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر.
۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، فقه تربیتی ۱ (مبانی و پیش فرض ها)، به تحقیق سیدنقی موسوی، چ ۳، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۵. بوسلیکی، حسن (۱۳۹۱)، «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش ها و معضل ها (بایسته های اخلاقی تبلیغ دین از منظر آیت الله جوادی آملی)»، نشریه حکمت اسراء، ش ۱۱۳، ص ۱۷۱-۲۰۱.
۶. پارسا، غلامعلی (۱۳۸۵)، جوانان در جهاد و شهادت، مشهد: نشر الف.
۷. پهلوان، منصور و فرهاد احمدی آشتیانی (۱۳۹۵)، «اخلاق در جهاد از دیدگاه امام علی علیه السلام»، فصلنامه پژوهش های نهج البلاغه، ش ۲، ص ۲۳-۴۱.
۸. تحلیل الزامات اخلاقی و عقلی ۲ (بازیابی: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶)، پایگاه اطلاع رسانی مجمع عالی حکمت انسانی، (<http://hekmateislami.com/?p=5500>).
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۰۱/۰۶)، بیانات در دیدار بسیجیان.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۰)، جهاد تبیین، گردآوری سعید صلح میرزایی، چ ۶، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۰۷/۰۵)، بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)، بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۱۱/۰۳)، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (ع).



۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۱۱/۱۹)، *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش*.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱/۰۵/۰۵)، *بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور*.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲)، *موسوعة الإمام الخمينی ۵۰ (دروس تفسیر سورة حمد، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، نامه‌های اخلاقی عرفانی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۸. دراز، محمد عبدالله (۱۴۰۸ق)، *دستور الاخلاق فی قرآن الکریم*، قاهره: دار البحوث العلمية.
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار القلم.
۲۱. شکر، عبدالعلی (۱۳۹۳)، «وسوسة شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۱۸، ص ۶۳-۸۹.
۲۲. شکری، محمد و سیداحمد فقیهی (۱۳۹۷)، «مشکلات اخلاقی تبلیغ دین»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۹، ص ۹۹-۱۲۰.
۲۳. صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۱)، «جهاد تبیین»، فصلنامه علمی تخصصی ویژه مبلغان، ش ۹، ص ۲۶۷-۲۷۶.
۲۴. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۰)، «جایگاه دشمنان و مخالفان در نگرش سیاسی امام علی علیه السلام»، حوزه و دانشگاه، ش ۲۶.
۲۵. فکری، جعفر (۱۳۸۶)، «نگاهی به تبلیغ عملی در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۳۰۳ و ۳۰۴.

۲۶. قادری، سید محمد تقی (۱۴۰۱)، یادداشت «تحلیل جامع جهاد تبیین از منظر رهبر معظم انقلاب»، انتشار یافته در سایت معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (بلاغ): www.balagh.ir
۲۷. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. کلانتری، الیاس (۱۳۶۶)، مفردات القرآن فی مجمع البیان، تهران: بنیاد.
۲۹. لطیفی، محمود (۱۳۸۶)، «سیره تبلیغی رسول اعظم ﷺ؛ قسمت پایانی»، نامه جامعه، ش ۳۴.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چ ۲، بی جا: مؤسسه الوفاء.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴)، فلسفه اخلاق: مشکلات (مجموعه آثار آیت الله مصباح یزدی)، چ ۳، در: <https://www.mesbahyazdi.ir/node/5203>
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، بیست گفتار، بی جا: شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مطهری.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، اصطلاحات قرآن، انتشار یافته در پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی (makarem.ir).
۳۵. نراقی، ملا محمد مهدی (بی تا)، جامع السعادات، چ ۴، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balaghah*.
3. A'arafi, A. (2016). *Jurisprudence of Education and Pedagogy (Foundations and Postulates)*. Third Edition. Qom: Eshraq va Erfan University.
4. Alikhani, A. (2001). "The position of enemies and opponents in the political attitude of Imam Ali (AS)". *seminary and university*, VOL. 26.
5. *Analysis of Moral and Intellectual Requirements 2*. Information Base Supreme assembly of human wisdom (26/10/2017): <http://hekmateislami.com/?p=5500>
6. Busaliki, H. (2012), "Relationship between the Divine Law and Policy in The ethics of religious propagation in the contemporary world; the values and conflicts, and the moral necessities in religious propagation from the viewpoint of Ayatollah javadi Amuli", *Hekmat Asra*, Vol. 113, p. 171-201.
7. Darraz, M. A. (1987). *Dastour al-Akhlagh fi Quarn al-Karim*, Qaherah: Dar al-Bohous al-Elmiah.
8. Dehkhoda, A. (1998). *Dictionary*. Second Edition. Tehran: Tehran University Publishing,.
9. Fekri, J. (2007). "A look at practical propaganda in the biography of the Holy Prophet and the infallible imams", *Pasdar Islam*, vol: 303, 304.
10. Ghaderi, M. T. (2022). *Comprehensive analysis of Jihad of Clarification from the perspective of the leader of the revolution Cultural Chancellor of Islamic Propagand..* In: www.balagh.ir
11. Ghorashi Banaie, A. (1991). *Qamous Quran*, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiah.
12. Ibn Manzoor, M. (1993). *lisan al-Arab*. Third Edition. Beirut: Dar Sader.
13. Kalantari, I. (1987). *Mofradat al-Quran fi Majma' al-Baian*, Tehran: Bonyad.
14. Khamenei, SA. (2006). *Statements in the Basijian Meeting*.
15. Khamenei, SA. (2021). *Jihad of Clarification*. collector: Solh Mirzaei. S. Sixth Edition. Tehran: Enghelab Islami Publishing,.
16. Khamenei, SA. (2021). *Meeting of Nurses and Families of Health Martyrs*.
17. Khamenei, SA. (2021). *Statements at the End of the Arbaeen Hosseini Mourning Ceremony*.
18. Khamenei, SA. (2021). *Statements in the Meeting of Commanders and Employees of the Air Force and Air Defense of the Army*.
19. Khamenei, SA. (2021). *Statements in the Meeting of the Madahan Ahl al-Bayt*.
20. Khamenei, SA. (2022). *Statements in the Meeting of Imamān Jom'e across the country*.
21. Khomeini, SR. (2013). *Mousou'ah al-Imam al-Khomeini 50*, Editing and publication of works of Imam Khomeini Institute.
22. Latifi, M. (2007). "Tablighi biography of the Great Prophet; The final part", *Nameh Jame'eh*, Vol: 34.
23. Majlisi, M. B. (1982). *Behar al-Anvar*, Second Edition np: al-Vafa Institute.
24. Makarem Shirazi, N. (1998). *Ethics in the Quran*. Qom: alImam Ali ibn abi Taleb School.
25. Makarem Shirazi, N. Terms of the Quran. In: Aiatollah Makarem Website: makarem.ir
26. Mesbah Yazdi, M. T. (2015). *Moral Philosophy: Meshkat*, Third Edition.
27. Motahari, M. (1989). *twenty speeches*. Tehran: Council for supervising the publication of the works of Professor Shahid Motahari.
28. Naraghi, A. (n.d). *Jame al-Saadat*. Fourth Edition. Beirut: al-A'lami le-al-Matbou'at Institute.
29. Pahlavan, Mansour and Farhad Ahmadi Ashtiani (2015), "Ethics in Jihad from the perspective of Imam Ali", *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*. 2: 23-41.
30. Parsa, Gh. (2006). *Youth in jihad and martyrdom*. Mashhad: Alef Publishing.

31. Ragheb Isfahani, A. (1991). *al-Mofradat fi Gharib al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ghalam.
32. Shokr, A. (2014). "Satan's Temptation and Ways of its Prevention from the Perspective of Quran", *Ma'aref Qorani*, VOL. 18, P. 63-89.
33. Shokri, M. & Faghihi, S. A. (2018), "Moral problems of propagating religion and ways out of it", *Quarterly Journal of Ethics*, vol. 29, p. 99-120
34. Solh Mirzazi, S. (2022), "Jahad Tabien", *A special quarterly for missionaries*, vol. 9. P. 267-276.
35. Tamimi Amedi, A. (1989). *Ghorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem*. Second Edition. Qom: Dar al-Ketab al-Islami.



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی